

حادثه تاریخی

غدیر

- ✽ خلاصه داستان غدیر خم
- ✽ اعتراف و اعتقاد فریقین
- ✽ کو تاه سخن در باره اکمال دین
- ✽ جمله ای کو تاه بادوستان شاه ولایت

خلاصه‌ی داستان غدیر خم

کلمه «غدیر» به معنای «برکه» و یا گودالی است که محل گرد آمدن آب باران می باشد و «غدیر خم» محل تقاطع راههای «مدینه» و «یمن» و «عراق» است. پیامبر اسلام ﷺ بهنگام مراجعت از آخرین سفر حج خود «حجة الوداع» وارد این سه راهی بزرگ شده که آن جمعیت انبوه یکصد و بیست هزار و بقولی هفتاد هزار نفری دست یکدیگر را فشرده و از هم جدا میشدند و شاید از عمر پیامبر اسلام (ص) هم آنقدر

نمانده که بار دیگر چنین جمعیت انبوه و با شکوهی از مسلمانان را به بیند .

و از طرف دیگر پروردگار عالم وظیفه بزرگی بر عهده او نهاده و برای سومین بار رساندن آن را بمسلمانان تأکید فرموده که اگر پیامبر فرصت را از دست بدهد و در ابلاغ آن کوتاهی نماید، گوئی که وظیفه رسالت را اصلاً انجام نداده است.

ترس پراکنده شدن آن جمعیت کذابی از یکسوی و خطورت وظیفه و لزوم ابلاغ آن از سوی دیگر، وی را بر آن داشت تا در آن صحرای گرم و سوزان عربستان دستور دهد آنان که در رکاب ظفر انتساب نبوی بودند توقف کنند و آن قسمت از کاروان که پیشی گرفته بودند برگردند و آنها که عقب مانده به کاروان ملحق شوند.

جمعیت، چشم گیر و تکان دهنده و هوا گرم و سوزان است مردم از گرمی آفتاب به سایه اشتران پناه برده و با عبا و لباس کف پای خود را می پوشیدند تا از سوزش ریگهای داغ آنسر زمین نجات یابند. همه دچار سرگیجه و بهت و حیرت شده اند. و با یکدیگر میگویند چه خبر شد؟ پیامبر (ص) چرا در چنین شرایط سختی امر به فرود آمدن کرد؟ چه حادثه مهمی پیش آمده؟ آیا فرشته پیام آور خدا آمده و بر او آیه نازل کرده که در این صحرا فرود آید؟

آری امین و وحی آمده و برای بار سوم پیام حق آورده :

«یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک و ان لم تفعل

فما بلغت رسالته والله يعصمك من الناس» (۱)

از اینرو در ابلاغ حکم پروردگار باید سرعت بگیرد و دیگر از کسی نهراسد چه خدا حفاظت او را از هر گزندی تضمین فرموده است چشمها بسوی مشعل نور جمال نبوی دوخته و گردنگها بسوی مشکاة نور احمدی کشیده شده که ناگهان دستور صادر شد تا منبری از جهاز شتران فراهم کردند و پیامبر خدا بر فراز آن قرار گرفت و آن خطبه تاریخی که متأسفانه ایراد آن از حوصله این مقاله بیرون است ایراد فرمود و آنان را درباره جمله جمله آن باقرار و داشته و خدای را بر اقرار آنان گواه گرفت . سپس با این جمله کوتاه آنان را در باره يك حقیقت و واقعیتی که بعد ها توسط ماجرا جویان مورد انکار قرار گرفت ، و در آن خدشه ها نمودند ، به اعتراف و ا داشت ، و آن جمله این بود که فرمود :

الست اولی بکم من انفسکم ! یعنی : آیا من بر شما ولایت و سلطنت و خلاصه حق اولویت ندارم ، همگان در پاسخ وی گفتند :

بلی یا رسول الله ! الله و رسوله اولی ! آری چنین است ای رسول خدا ، خدا و رسولش حکومت و اولویت دارند .

چون عنان سخن باینجا رسید پرده از راز نهفته عقب زده شد و حیرت جمعیت از بین رفت و آنوقتی بود که دیدند پیامبر (ص) شاه ولایت

۱- ای پیامبر آنچه از جانب پروردگارت بر تو نازل شده بمسلمانان برسان که اگر این موضوع را ابلاغ نکنی مثل اینستکه رسالت پروردگار را به کلی انجام ندادهای و از گزند مردم بیمناک نباش که پروردگار تو را حفظ خواهد کرد .

را بر فراز دست خود گرفته و بلند کرد ، گوئیکه قران شمس و قمر شد
سکوت عجیبی آن جمعیت یکصد و بیست هزار نفری را فرا گرفته و به
سخن دل پذیر شمس نبوت گوش دادند تا بشنوند در باره ماه ولایت
چه میگوید :

ناگهان شنیدند که از لبهای غنچه سای پیامبر این آوای جانفزا
بگوش میرسد که :

«من كنت مولاه فهذا علي مولاه»

بی مناسبت نیست در ترجمه این بیان نبوی چند بیت زیر را
یاد آور شوم :

کیست مولا آنکه آزادت کند
بند رقیبت را ز پایت بر کند
زین سبب پیغمبر با اجتهاد
نام خود و آن علی مولا نهاد
گفت هر کس را منم مولا و دوست
چون به آزادی نبوت هادی است
مؤمنان را ز انبیا آزادی است
ای گروه مؤمنین شادی کنید
همچو سرو سوسن آزادی کنید

رسول خدا همچنان کمر بند علی را گرفته و بر فراز دست خود داشت
که تمامی مردم او را دیدند و با جمله نورانی «من كنت مولاه فهذا

علی مولا» اورا امام و هادی مسلمانان قرار داد ، و این انتصاب جز از درجه وحی و الهام الهی انجام نپذیرفت و شایبه هیچگونه تعصب و قومیت در آن نبود .

این حادثه تاریخی سبب شد که «روزعید غدیر» برای همیشه در تاریخ بماند و یکی از اعیاد بزرگ شیعیان جهان ، بلکه مسلمین قرار گیرد .

اعتراف و اعتقاد فریقین

کمتر کسی از تاریخ نویسان شیعه و سنی دیده شده که داستان «غدیر خم» را نقل نکرده باشد بلکه میتوان گفت به استثنای چند تن معدود تمامی مورخین بطور وضوح داستان «غدیر» را نگاشته اند و بیست و پنج نفر از دانشمندان سنی در این باره مستقلاً کتاب تألیف کرده اند . مانند : طبری ، دار قطنی ، ابوسعید سجستانی و دیگران ، مرحوم مؤلف کتاب «احقاق الحق» از امام جوینی که یکی از دانشمندان بنام اهل سنت است نقل میکند که وی گفت من : درباره «غدیر خم» نزد صحاف کتابی دیدم که نوشته بود این جلد بیست و هشتم است و مجلد بیست نهم باین زودی در اختیار مطالعه کنندگان قرار خواهد گرفت ! و نیز ابوسعید سجستانی در این باره کتابی نوشته که مجموع آن بالغ بر هفده مجلد میباشد !

مرحوم آیت الله علامه امینی در کتاب شریف «الغدیر» سیصد و شصت تن از دانشمندان سنی را اسم میبرد که حدیث «غدیر» را نقل کرده اند ، و این حافظ که یکی از علمای بنام اهل سنت است

داستان غدیر را به یکصدم و پنج طریق نقل کرده است .
 و خلاصه اخبار غدیر اگر بر اثر اختلاف عبارات خطبه‌ای که از
 پیامبر اکرم (ص) در آن روز نقل شده توأتر لفظی نداشته باشد بطور
 قطع متواتر معنوی بوده و بهیچ وجه قابل تردید و خدشه نمی‌باشد .
 و اگر کسی بخواهد نظر شیعه رانیز در این باره به تفصیل بداند به
 کتابهای «بحار الانوار» تألیف علامه مجلسی و «احقاق الحق» تألیف
 مرحوم علامه شوشتری و «الغدیر» تألیف مرحوم علامه امینی قدس
 سره و کتاب نفیس «عمقات» مراجعه نماید .

علاوه بر مطالب فوق این نکته رانیز یاد آور میشویم که از نظر
 اکثر مفسرین سنی و شیعه آیه یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من
 ربک تا آخر (۱) و آیه «الایوم اکملت لکم دینکم تا آخر» (۲)
 و آیه «ستل سائل بعداب واقع» (۳) در موضوع «غدیر خم» نازل شده
 است . و مفسرین شیعه و سنی اتفاق دارند که آیه اخیر در شأن کسی نازل
 شد که از انتصاب علی بن ابیطالب به خلافت و جانشینی پیامبر ناراحت
 بود و به پیامبر اعتراض کرد پس از آنکه پیامبر (ص) در پاسخ او فرمود:
 من این کار را بامر پروردگار انجام دادم ، از نزد پیامبر بیرون رفت در
 حالیکه میگفت : «اللهم ان کان هذا هو الحق فسامطر علینا حجارة من
 السماء» (۴)

بقیه درص ۲۳۶

(۴)

(۱) سوره مائده آیه ۶۷

(۲) سوره مائده آیه ۳

(۳) سوره معارج آیه اول

(۴) اگر اینکه محمد (ص) میگوید حق است سنگی از آسمان بر ما

بفرست .

کتابخانه